

متن پرسش

سلام خسته نباشید سوال اول : استاد به تازگی ترجمه تفسیرالبرهان چاپ شده است. تفسیر برهان که گردآوری احادیث از منابع روایی توسط ملاهاشم بحرانی هست به نظرم اثری فاخر است . کافی است به مقدمه ی آن در جلد اول نگاهی بیندازید .احادیثی در خصوص نهی از تفسیر قرآن وجود دارد که واقعا خوف وجودم رافراگرفت .کافیست نگاهی بیندازید . حتی در حدیثی امام صادق فرموده است : که حتی شخص اگر قرآن را صحیح هم تفسیر کند باز هم جایز نیست و انگار کاری انجام نداده و... (رجوع شود به جلد اول ترجمه تفسیرالبرهان) . سوال اول من این است که ما این همه روایات داریم که آقا قرآن را تفسیر نکنید . آیا روایاتی هم داریم که بگویند قرآن را تفسیربکنید ؟بهترینست باب تفسیر را ببندیم و به قول معصوم تکیه کنیم تا دچار عواقب الهی نشویم . آخر استاد احادیث واقعا لرزه به جان انسان من انداخت . حال اگر حدیثی از جانب معصوم مبنی بر اجازه تفسیر قرآن توسط غیر معصوم میدانید میشود به من هم بگویید سوال دوم : من تفاسیر روایی را نگاه میندازم و وقتی که به تفاسیر دیگر از بزرگان و علمای دین رجوع میکنم تفسیری مخالف با تفسیر معصوم میبینم . اگر همین تفسیر البرهان را نگاهی بیندازید و تفاسیر آیاتی را انتخاب کنید و سپس همان آیات را در تفاسیر علما پیگیری کنید متوجه میشوید که در اکثر جاها هیچ ربطی به هم ندارد . بعنوان مثال نمونه ای در زیر آورده ام درخصوص تفسیر آیه ی ۱۸ سوره سبا: امام باقر به حسن بصری میگوید فقیه اهالی بصره شده ا ی . که امر بزرگی را به عهده گرفتی .امام آیه ی زیر را برای حسن بصری میخواند و میگوید تفسیرش چیست ؟(و جعلنا بینهم و بین القرى التى بارکنا فیها قری) که ترجمه اش میشود میان آنان و میان آبادانی هایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را به اندازه مقرر داشته بودیم.در این (راه) ها , شبان و روزان آسوده خاطر بگردید . سپس امام میگوید شنیدم جای امن را به مکه تفسیر کرده ای و این چه امنیتی است که کالای مردم به سرقت میرود و.... سپس امام باقر به سینه ی مبارک خود میزند و میگوید مراد از آن قریه ها ما هستیم (بحارالانوار جلد۲۴ صفحه ۲۳۲ ح ۱ و بحارالانوار جلد ۲۴ صفحه ۲۳۵ ح۴).البته این را خلاصه ی کوچکی از حدیث بود که کامل آن را میتوانید در بحارالانوار دنبال کنید . تفسیر این آیه از لسان مبارک امام سجاد هم هست که دقیقا همین گونه تفسیر کرده اند و میگویند منظور از قریه ها ما اهل بیت هستیم . اگر اشتباه نکنم در مجمع البیان مرحوم طبرسی جلد ۱۴ در تفسیر آیه ۱۸ سوره سبا تو پاورقی این حدیث منظور گردیده است حال شما این آیه را در تفاسیر معتبر نگاهی بیندازید و ببینید علما چه تفسیر کرده اند . خب این تقابل بین حرف معصوم و حرف عالم شیعه در چیست ؟ و برای

چیست؟ سوال سوم: من خودم میزان را نخواندم ولی شنیدم علامه در یکی از جلد‌های میزان فرموده راه رسیدن به حقایق سه تاست: عرفان و کشف و شهود، فلسفه و مسیر دینی. و سپس عرض کردند راه این سه از هم جداست و این سه در مقابل هم هستند. در حالیکه میبینیم شاگردان ایشان از قبیل آیت الله جوادی و علامه حسن زاده نظری برخلاف این دارند. حال میخواستم بپرسم این گفتار در میزان آمده است یا خیر؟ و نظر شما چیست؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در ذیل توصیه‌ی قرآن به تدبّر، ما معتقدیم خط را باید از معصوم گرفت که فرموده‌اند: «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع» بر ما است که اصول را بگیریم و بر شما است که آن را در امور جزئی وسعت دهید. کاری که فقهاء ما با آیات الاحکام به کمک روایات می‌کنند و یا کاری که علامه طباطبایی «رحمة الله علیه» در تفسیر میزان کرده‌اند ۲- عنایت داشته باشید که علماء بزرگ ما چه در فقه و چه در تفسیر سعی می‌کنند در بین روایات متعدد که بعضاً به خاطر شرایط مختلف و یا مخاطبان مختلف متعارض‌اند، جمع بندی خوبی داشته باشند حتی در مورد همین آیه که می‌فرمایید از طریق معصوم راهنمایی‌های متفاوتی به ما می‌شود به طوری که وقتی حسن بصری مخاطب امام‌اند حضرت به نور آن آیه یک طور او را هدایت می‌کنند و وقتی زراره و محمدبن مسلم مخاطب حضرت‌اند حضرت به نور آن آیه یک طور دیگر آن‌ها را هدایت می‌کنند ۳- باید با دقت منظور علامه را درست فهمید تا این سه راه با همدیگر قاطی نشود. اگر کسی شهود را عین شریعت و یا فلسفه را عین شریعت بداند، نه شریعت را فهمیده و نه فلسفه و عرفان را و اساتیدی که نام بردید به خوبی متوجه این امر هستند. موفق باشید